

هاينريش بُل

# تا زمانی که...

(گزیده‌ای از داستان‌ها و نقدها)

انتخاب و ترجمه

کامران جمالی



انتشارات نیلوفر

## فهرست

- چند سطری از مترجم ..... ۹
- داستان کوتاه در آلمان ..... ۱۱
۱. از مجموعه‌ی «بیگانه وقتی رسیدی به اسپا...» ..... ۱۷
- چهره‌ی اندوهگین من ..... ۱۹
- بیگانه وقتی رسیدی به اسپا... ..... ۲۹
- محبوبه‌ی شمارش نشده ..... ۴۳
- کاسبی کاسبی است ..... ۴۷
- [نگرشی بر داستان «کاسبی کاسبی است»] ..... ۵۵
- شمع‌هایی برای حضرت مریم ..... ۶۱
- پای گران من ..... ۷۷
- خبیر ..... ۸۱
- آن‌سوی پل ..... ۸۷
- [نگرشی بر داستان «آن‌سوی پل»] ..... ۹۵
۲. از مجموعه‌ی داستان‌های طنزآمیز «فقط نه به مناسبت کریسمس» ..... ۹۹
- دایی ام فِرد ..... ۱۰۱
- فقط نه به مناسبت کریسمس ..... ۱۰۷





## چند سطری از مترجم

این کتاب را براساس جمله‌ی یادشده از داستان خبر نام‌گذاری کردم. نام دو کتاب که گزیده‌ی داستان‌های آن را به فارسی برگردانده‌ام، در آغاز فصل مربوطه ذکر شده است. آخرین داستان، موقعیتی که در رمان‌های بد پیش می‌آید، در مجموعه‌ای به نام داستان‌نویسان پیشرو آلمان با پس‌گفتاری داهیانه با عنوان داستان کوتاه در آلمان به وسیله‌ی «فردیناند شونینگ» نشر یافته بود. پس‌گفتار و داستان یادشده را نیز به آغاز و پایان کتاب افزودم. دو نقد از نقدهای بل را نیز در پیوست کتاب ارائه داده‌ام.

دو داستان بسیار کوتاه از داستان‌های خوب مجموعه‌ی اول قبلاً توسط ناصر فرج‌اللهی به فارسی ترجمه شده بود: محبوبه‌ی شمارش‌نشده و پای گران من. پس این دو داستان ترجمه‌ی ناصر فرج‌اللهی است.

برای جلوگیری از سردرگمی آن‌دسته از خوانندگان که احتمالاً با تاریخ معاصر آلمان آشنایی ندارند، توالی داستان‌های هر مجموعه را برحسب توالی زمانی رویدادها مرتب کرده‌ام. داستان اول چنین می‌نماید که مربوط به دوران پیش از آغاز جنگ و اوایل حکومت فاشیست‌ها باشد. داستان دوم در زمان جنگ اتفاق می‌افتد. بقیه‌ی داستان‌های مجموعه‌ی اول دوران پس از جنگ را توصیف می‌کند. داستان آن سوی پل پیش از جنگ آغاز می‌شود و در نخستین

## داستان کوتاه در آلمان

در ادبیات آلمان داستان کوتاه بریده‌ای است از هستی که به پیش و پس، و نیز به علل و پی آمده‌های آن بریده نمی‌پردازد. بریده‌ای که دارای ابعاد زمانی و مکانی فیلم‌نامه‌ای نیست و بالطبع نمی‌توان فیلمی از روی آن ساخت. هر فیلم سینمایی از جایی آغاز می‌شود و هنگام سیر در بستر زمان در جایی خاتمه می‌یابد. ولی داستان کوتاه، هرچند سطر اول و آخر دارد، اما پیش از سطر اول وجود داشته و پس از سطر آخر نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. اگر با نظری سطحی به داستان کوتاه بنگریم ارائه‌ی برهه‌گونه‌ی واقعیت که در این قالب هست با تجسم یک صحنه روی یک تابلوی نقاشی امپرسیونیستی (که تمام چشم‌انداز نقاش را نشان نمی‌دهد) یکی پنداشته خواهد شد. برای آن‌که قالب داستان کوتاه آلمانی را با سبک امپرسیونیسم یکی نپنداریم لازم است که محتوای داستان کوتاه و همچنین ضرورت‌هایی که در روند تکامل اجتماعی غرب این قالب را به وجود آورده است بررسی کنیم:

تلخ‌ترین تجربه‌ی نویه‌ندگان معاصر اروپا تا به امروز (از مسأله‌ی دو جنگ جهانی که بگذریم) زندگی ساکنان پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ است، جایی که شهروندان بایکدیگر بی‌ارتباط و در برابر دردهای مشترک بی‌اعتنا هستند. در چنین جوامعی فرد، منزوی و از آینده‌ی خود بیمناک است. از سوی